پیشروی‌های تحول آفرین انصارالله معادلات بازدارندگی محور مقاومت را در سراسر منطقه وارد مرحله تازه‌ای کرده است

طوفان خنجر یمنی

گروه سیاسی

ادامه از صفحه اول

آزادسازی و تصرف شهربندری مخا، پیشروی شتابان به‌سوی منطقه ذباب و درنهایت برافراشته شدن پرچم مقاومت برفراز جزیره استراتژیک پریم یا همان میون، حلقه‌های طلایی و پیوسته این زنجیره عملیاتی شگفت‌انگیز هستند؛ تحولاتی که گستردگی و ابعاد راهبردی آن چنان بازتاب وسیعی داشته که حتی نهادهای بین‌المللی و سازمان ملل و رسانه‌های غربی نظیر رویترز و آسوشیتدپرس نیز ناچار به اعتراف شده و آن را به عنوان یک دگرگونی بی‌سابقه و ساختاری در نقشه میدانی یمن ثبت کرده‌اند.

اهمیت اساسی این سلسله عملیات‌های ظفرمند را نمی‌توان صرفاً در محاسبه مساحت کیلومتر مربعی زمین‌های آزادشده یا شمارش شهرها و پادگان‌های تصرف‌شده خلاصه کرد. آنچه درکرانه‌های ساحل غربی یمن به وقوع پیوسته، درواقع یک جهش راهبردی برای تغییر ماهیت و الگوی اعمال قدرت جنبش انصارالله است. انصارالله که زمانی توسط محافل غربی-عربی صرفاً به عنوان یک نیروی محلی مسلط بر پهنه کوهستانی شمال و مرکزیمن ارزیابی می‌شد و توان آن در پرتاب موشک و پهپاد خلاصه می‌گردید، اکنون به بازیگری تمام‌عیار و قدرتمند تبدیل شده است که تسلط عملیاتی خود را بر یکی از دو شریان اصلی و حیات‌بخش دریانوردی میان خلیج فارس، دریای سرخ و دریای مدیترانه تثبیت کرده است. ازاین رو، پیشروی‌های اخیراً صورت گرفته صرفاً یک حرکت نظامی تاکتیکی نیست، بلکه همزمان یک عملیات زمینی پیچیده، یک نبرد پدافندی و تهاجمی دریایی قدرتمند و یک مانور ژئوپلیتیک تراژال در سطح منطقه محسوب می‌شود که کل موازنه قدرت را به نفع جبهه مقاومت اسلامی تغییر داده است.

فرسایش آتش بس ساختگی و فروپاشی خطوط پدافندی مزدوران ائتلاف

برای درک عمق و ابعاد این پیروزی‌های شگرف، باید ابتدا وضعیت جبهه‌های یمن در چند سال اخیر را با نگاهی دقیق و تحلیلی مورد ارزیابی قرار داد. آتش‌بسی که تحت نظارت و حمایت سازمان ملل متحد در آوریل ۲۰۲۲ برقرار شده بود، از نظر حقوقی در دوم اکتبر همان سال به پایان رسید و بنابراین هیچ‌گاه یک سازوکار پایدار یا حقوقی چهارساله نبوده است. با این حال، حتی پس از پایان رسمی آن آتش‌بس نیز، به دلیل محاسبات بازدارنده‌ای که انصارالله بر متجاوزان سعودی و اماراتی فرض کرده بود، سطح درگیری‌ها به نبرد فراگیر سال‌های نخست بازنگشت و خطوط مقدم برای مدتی نسبتاً طولانی در وضعیتی تثبیت‌شده و نیمه‌افلیج باقی ماند. نهادهای بین‌المللی و دفتر فرستاده ویژه سازمان ملل، این دوره را به عنوان یکی از طولانی‌ترین دوره‌های کاهش خشونت نسبی در تاریخ جنگ یمن توصیف کرده بودند.

اما این آرامش شکننده و فرسایشی که ناشی از عدم تمایل دشمن برای پذیرش شروط عادلانه ملت یمن در رفع کامل محاصره بود، در تابستان ۲۰۲۶ به نقطه پایانی خود رسید. ازاواخر ژوئیه، جبهه‌ها بار دیگر شاهد تحرکات مشکوک نیروهای وابسته به ائتلاف متجاوز بودند که تلاش می‌کردند با سوءاستفاده از وضعیت ناپایدار منطقه، خطوط تماس را به نفع خود تغییر دهند. پاسخ نیروهای مسلح یمن به این تحرکات، قاطع و کوبنده بود. از سوم سپتامبر، شدت و حجم نبردهای آفندی انصارالله در جبهه‌های غربی به اوج خود رسید. فرستاده ویژه سازمان ملل، هانس گروندبرگ، درنشست ۱۰ سپتامبر شورای امنیت ناچار شد تصریح کند که هشدارهای پیشین درباره خروج اوضاع از کنترل به واقعیت پیوسته و خطوط دفاعی نیروهای وابسته به ائتلاف متجاوز در ساحل غربی به سرعت فروپاشیده است. بر اساس اذعان این مقام سازمان ملل، انصارالله با اجرای یک عملیات بزرگ و برنامه‌ریزی شده، کنترل کامل شهر مهم و بندری مخا را به دست گرفت و تمامی محاسبات قبلی دشمن را نقش برآب کرد.

نکته تحلیلی برجسته در این میان آن است که مجاهدان انصارالله در این دور از نبرد، برخلاف تصور اتاق‌های فکر غربی، صرفاً برای بازپس‌گیری یک نقطه شهری محدود یا ثبت یک پیروزی رسانه‌ای وارد میدان نشدند. محورهای عملیاتی به گونه‌ای دقیق، چندلایه و حساب‌شده انتخاب شده بودند که در صورت تثبیت، تمام ساختار جغرافیایی و نظامی قدرت امپریالیسم و مزدوران داخلی آن را در غرب یمن از ریشه دچار ویرانی و تحول سازد.

کالبدشکافی عملیاتی؛ از بندر مخا تا جزیره پریم و تسلط بر ورودی دریای سرخ

شهر بندری مخا، کلیدی‌ترین و پراهمیت‌ترین دستاورد زمینی انصارالله در این مرحله از عملیات گسترده به شمار می‌رود. این بندر واقع در ساحل دریای سرخ و در جنوب استان تعز، حدود ۷۵ کیلومتر با تنگه حیاتی باب‌المندب فاصله دارد. گزارش‌های رسانه‌های بین‌المللی نظیر رویترز نیز با صراحت اذعان کرده‌اند که تصرف مخا نقطه عطفی در تاریخ جنگ یمن و گامی بلند برای تسلط کامل نیروهای مقاومت بر شریان‌های دریایی منطقه است.

اما اهمیت مخا فراتر از موقعیت ساحلی آن است. این شهر در نقطه پایانی یکی از شاهراه‌های مواصلاتی و حیاتی میان ساحل غربی و عمق استان تعز قرار دارد. تسلط انصارالله بر مخا، خطوط پشتیبانی و ارتباطی میان نیروهای وابسته به دولت مستقر در عدن و متحدان اماراتی و سعودی آن‌ها در بخش‌های ساحلی را با نیروهای محاصره‌شده در تعز به طور کامل قطع کرد. تحلیلگران برجسته نظامی در تحلیل‌های خود تأکید کرده‌اند که این اقدام، شریان حیاتی متجاوزان را قطع کرده و فلج‌کننده‌ترین ضربه نظامی را به پیکره نیروهای ائتلاف وارد آورده است. عقب‌نشینی نیروهای مزدور از مخا که رسانه‌های غربی و عربی وابسته تلاش کردند آن را عقب‌نشینی تاکتیکی جا بزنند، در حقیقت فروپاشی یک خط دفاعی محکم بود که سال‌ها با هزینه‌های سنگین دلارهای نفتی و تسلیحات پیشرفته غربی ایجاد شده بود.

با این حال، پیروزی در مخا تنها گام نخست این سناریوی بزرگ بود. گام بعدی انصارالله که اهمیت راهبردی خیره‌کننده‌تری داشت، حرکت سریع به سوی منطقه ذباب و سپس تسلط بر جزیره پریم یا همان میون در قلب تنگه باب‌المندب بود. خبرگزاری رویترز در ۱۱ سپتامبر گزارش داد که نیروهای انصارالله نه تنها به ساحل ذباب رسیده‌اند، بلکه جزیره پریم را که موقعیتی کاملاً استراتژیک در گلوگاه تنگه دارد، تحت کنترل کامل خود درآورده‌اند.

کنترل جزیره پریم یک دگرگونی از جنبه‌ای کاملاً متفاوت است. مخایک بندر ساحلی است، اما پریم صخره‌ای استراتژیک در دقیقاً میانه مسیر عبور کشتی‌ها در باب‌المندب است. استقرار نیروها و تجهیزات پدافندی و رادارای مقاومت در این جزیره، به معنای اشراف کامل بصری، الکترونیکی و موشکی بر تمام شناورهایی است که قصد ورود یا خروج از دریای سرخ را دارند. این حضور، ظرفیت بازدارندگی انصارالله را از یک تهدید بالقوه به یک قدرت فعال و حاکم بر گلوگاه تبدیل کرده است. اگرچه انصارالله اعلام کرده که امنیت دریانوردی برای کشتی‌های تجاری عادی برقرار است و تنها کشتی‌های وابسته به رژیم صهیونیستی و حامیان غربی‌اش هدف قرار می‌گیرند، اما توانایی فنی و میدانی برای اعمال محاصره کامل، اکنون کاملاً در اختیار مجاهدان یمنی است.

هم‌افزایی عملیاتی؛ پیوند جبهه ساحل با تعز، مأرب و الجوف

بررسی هوشمندانه جغرافیای عملیات اخیر نشان می‌دهد که ساحل غربی بدون در نظر گرفتن استان تعز، پازلی کامل نخواهد بود. تعز به عنوان مرکز ثقل جمعیتی تجاری و جغرافیایی، حلقه افزاینده متصل کننده شمال یمن به سواحل دریای سرخ و مناطق جنوبی است. انصارالله با درک این موقعیت ممتاز، عملیات ساحلی را با فشار همزمان بر محورهای شرقی تعز ترکیب کرد تا امکان هرگونه پاتک یا مانور تدافعی را از دشمن سلب کند.

همزمان با این تحرکات، جبهه‌های حیاتی دیگری نظیر مأرب، الجوف و الضالع نیز به صورت همزمان و هماهنگ توسط فرماندهی کل نیروهای مسلح یمن فعال شدند. این مانور چندمحوره نشان داد که جنگ در یمن دیگر شامل خطوط گسسته و جدا از هم نیست، بلکه یک شبکه پیوسته عملیاتی است. استان الجوف به دلیل هم‌مرز بودن با عمق خاک عربستان سعودی، جبهه‌ای مستحکم در برابر تهدیدات احتمالی ریاض ایجاد کرده است. مأرب به عنوان مرکز منابع انرژی یمن، تحت فشار شدید قرار گرفته و الضالع نیز به عنوان دروازه ورود به استان‌های جنوبی، متجاوزان را در حالت تدافعی محض قرار داده است.

فعال‌سازی همزمان این جبهه‌ها توسط انصارالله، توان لجستیکی و فرماندهی ائتلاف متجاوز را دچار تشتت شدید کرد. دشمن ناچار شد نیروهای محدود و روحیه‌باخته خود را در چند جبهه متفرق کند، موضوعی که پیشروی‌های ساحلی را تثبیت کرد و اجازه نداد تمرکز متجاوزان بر بازپس‌گیری مخا یا جزیره پریم معطوف شود.

شریان حیاتی مقاومت؛ پیوند باب‌المندب با جبهه خلیج فارس و نبرد ایران و آمریکا

یکی از بنیادی‌ترین و برجسته‌ترین ابعاد تحلیلی تحولات اخیر که باید به دقت مورد تشریح قرار گیرد، پیوند مستقیم، ارگانیک و راهبردی میان پیشروی‌های انصارالله در باب‌المندب و جبهه نبرد مستقیم میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس است. در هندسه جدید بازدارندگی منطقه، خلیج فارس و دریای سرخ دیگر دو پهنه آبی مجزا محسوب نمی‌شوند، بلکه دو بال یک قیچی راهبردی هستند که شریان‌های حیاتی استکبار جهانی را تحت فشار مضاعف قرار داده‌اند.

در جبهه خلیج فارس، رویارویی میان ایران و آمریکا وارد مراحلی بی‌سابقه شده است؛ جایی که اقتدار دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای مسلح ایران، حضور ناوگان ششم و پنجم آمریکا را به سطحی از افول و انفعال کشانده است. ایران با اعمال تسلط کامل بر تنگه هرمز و ایجاد بازدارندگی قاطع در برابر تحرکات ناوگان آمریکایی و دزدی‌های دریایی واشنگتن، معادله‌ای را تحمیل کرده که در آن هرگونه شرارت آمریکا در خلیج فارس با پاسخ آنی و قاطع مواجه می‌شود.

درچنین شرایطی، تسلط انصارالله بر تنگه باب‌المندب و جزیره پریم، مکمل مستقیم و تقویت‌کننده سناریوی بازدارندگی ایران در خلیج فارس است. زمانی که آمریکا و متحدان غربی‌اش در خلیج فارس با اقتدار ایران مواجه می‌شوند و همزمان در دریای سرخ نیز با سد محکم انصارالله برخورد می‌کنند، با یک «گلوگاه دوگانه» یا «انسداد دوطرفه» روبرو می‌گردند. این وضعیت، عملاً مفهوم توانمندی جابه‌جایی نیرو و انرژی را برای غرب نابود کرده است. سنتکام (فرماندهی مرکزی آمریکا) اکنون خود را در وضعیتی می‌بیند که باید ناوهای جنگی و ناوشکن‌های گران‌قیمت خود را میان خلیج فارس، خلیج عدن و دریای سرخ تقسیم کند؛ امری که منجر به پراکندگی نیرو، فرسایش شدید تجهیزات و ناتوانی در اتخاذ یک استراتژی تهاجمی شده است.

علاوه‌براین، حملات موشکی و پهپادی کوبنده انصارالله به عمق خاک عربستان سعودی که در هشتم سپتامبر صورت گرفت و تأسیسات حیاتی و زیرساخت‌های انرژی در جنوب این کشور را هدف قرار داد، پیام مستقیمی به واشنگتن و ریاض بود. این حملات که طبق اذعان رسانه‌های غربی ده‌ها کشته و مجروح برجای گذاشت و منجر به آتش‌سوزی‌های گسترده شد، نشان داد که یمن توانایی کامل دارد تا در صورت لزوم، شریان‌های صادرات انرژی را به طور همزمان از تحرکات خلیج فارس مسدود سازد. واکنش بازار جهانی انرژی به این هماهنگی راهبردی، جهش آنی قیمت نفت به بالای ۱۰۰ دلار در هر بشکه بود؛ رقمی که لرزه بر تن اقتصادهای بحران‌زده غربی انداخت.

گزارش‌های معتبر بین‌المللی افشا کرده‌اند که محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی، در پی این ضربات سنگین، عاجزانه از دونالد ترامپ و دولت آمریکا خواسته است تا مداخله مستقیم نظامی کرده و به مواضع انصارالله حمله کنند. اما امتناع ترامپ از پذیرش این درخواست و ترس واشنگتن از گشودن یک جبهه مستقیم و کشنده جدید، نشان‌دهنده عمق بازدارندگی ایجادشده توسط محور مقاومت است. کاخ سفید به خوبی می‌داند که ورود به جنگ مستقیم با یمن، در حالی که جبهه خلیج فارس نیز با ایران ملتهب است، به معنای بلعیده شدن تمام دارایی‌های نظامی آمریکا در منطقه و شتاب گرفتن روند اخراج اخراج کامل نیروهای آمریکایی از غرب آسیا خواهد بود.

پشتیبانی مستقیم از جنوب لبنان؛ هم‌آهنگی راهبردی انصارالله و حزب‌الله علیه رژیم صهیونیستی

دومین جبهه پیوسته و کاملاً مرتبط با عملیات یمن، جبهه نبرد حماسی و سرنوشت‌ساز حزب‌الله لبنان علیه رژیم متجاوز و جنایتکار صهیونیستی در جنوب لبنان است. اززمان آغاز دور جدید درگیری‌ها، محور مقاومت دکترین «وحدت جبهه‌ها» را از یک مفهوم نظری به یک واقعیت میدانی و عملیاتی تبدیل کرده است. پیشروی اخیر انصارالله در ساحل غربی یمن و محاصره گلوگاه باب‌المندب، ضربه‌ای مستقیم، کاراری و نفس‌گیر به عقبه اقتصادی و لوجستیکی رژیم صهیونیستی در دوسط نبرد سنگینش با حزب‌الله وارد آورده است.

رژیم صهیونیستی که در جبهه شمال تحت موشک‌باران‌های دقیق و مداوم حزب‌الله قرار دارد و شهرک‌های شمالی آن خالی از سکنه شده و اقتصادش در حال فروپاشی است، بخش عمده‌ای از واردات و تجارت دریایی خود را از طریق بندرام الرشراش (ایلات) و مسیر دریای سرخ انجام می‌داد. تسلط انصارالله بر باب‌المندب و جزیره پریم، این بندر استراتژیک را به طور کامل فلج و تعطیل کرده است. صهیونیست‌ها اکنون ناچارند کشتی‌های خود را از مسیر طولانی و پرهزینه دورزدن قاره آفریقا عبور دهند که این امر هزینه‌های حمل و نقل را تا چند برابر افزایش داده و شریان‌های تأمین کالای این رژیم را فلجه کرده است.

این فشار کشنده از سوی یمن، مستقیم به نفع مجاهدان حزب‌الله در جنوب لبنان عمل می‌کند. رژیم صهیونیستی که با بحران سوخت، کمبود تسلیحات و فروپاشی اقتصادی مواجه شده، قدرت مانور خود را در برابر حزب‌الله از دست داده است. از سوی دیگر، پدافند هوایی و سامانه‌های گنبد آهنین و فلاخ داوود رژیم صهیونیستی به دلیل لزوم مقابله همزمان با موشک‌های بالستیک و پهپادهای دوربرد یمنی که از مسافت ۲۰۰۰ کیلومتری شلیک می‌شوند، دچار تشتت و تخلیه ذخایر شده‌اند. این امر فضای آسمان سرزمین‌های اشغالی را برای پرواز پهپادهای شناسایی و تهاجمی حزب‌الله بازتر کرده و توان دفاعی صهیونیست‌ها را در جبهه شمال به شدت تضعیف کرده است.

همچنین، اشغال توان دریایی و ناوگان ناوهای جنگی آمریکا و متحدان اروپایی‌اش در دریای سرخ برای حمایت از رژیم صهیونیستی، تمرکز نیروی دریایی آمریکا را در شرق مدیترانه کاهش داده است. این هماهنگی بی‌نظیر میان انصارالله یمن و حزب‌الله لبنان، دشمن صهیونیستی را در یک گ his محاصره چندبعدی و فرسایشی گرفتار کرده است؛ محاصره‌ای که در آن رژیم صهیونیستی از شمال توسط ضربات سنگین حزب‌الله و از جنوب و دریا توسط سد محکم انصارالله لکه‌دار و سرکوب می‌شود.

ناتوانی ستنکام و بن بست راهبردی واشنگتن و ریاض در برابر قدرت بازدارندگی یمن

تحولات سپتامبر ۲۰۲۶ ثابت کرد که تمامی ائتلاف‌های ادعایی آمریکا، نظیر ائتلاف دریایی «نگهبان رفاه»، در برابر اراده و فناوری‌های بومی مقاومت یمن، پوچ و ناتوان هستند. ایالات متحده آمریکا و بریتانیا طی ماه‌های گذشته صدها سورتی پرواز تهاجمی علیه زیرساخت‌ها و مواضع انصارالله انجام دادند، به این امید که بتوانند توانمندی موشکی و پهپادی یمن را تضعیف کرده یا اراده مسئولان صنعا را بشکنند. اما پاسخ انصارالله نه تنها عقب‌نشینی نبود، بلکه تبدیل نبرد از سطح دفاع موشکی به یک پیشروی زمینی و بحری وسیع برای تسلط بر گلوگاه‌های اصلی بود.

این موفقیت، سنتکام را دریک بن بست استراتژیک مطلق قرار داده است. اگر آمریکا بخواهد فشار نظامی را افزایش دهد، با پاسخ کوبنده‌تر یمن علیه ناوها و ناوشکن‌های خود مواجه می‌شود؛ پاسخ‌هایی که با موشک‌های هایپرسونیک و ضدکشتی بومی یمن، غرق شدن ناوشکن‌های آمریکایی را به یک احتمال بسیار بالا تبدیل می‌کند. از سوی دیگر، اگر آمریکا دست به عقب‌نشینی بزند، به معنای اعتراف رسمی به شکست خفت‌بار برابر قدرتی مدعی در برابر ملتی مبارز است که سال‌ها تحت شدیدترین محاصره بوده است.

عربستان سعودی نیز در این میان بین سنگ آسیاب مقاومت و عدم تعهد واقعی آمریکا خرد شده است. ریاض که سال‌ها هزینه‌های هنگفتی را برای سرنگونی انصارالله پرداخت کرده بود، اکنون می‌بیند که نه تنها انصارالله نابود نشده، بلکه بر کل ساحل غربی و باب‌المندب تسلط یافته و تأسیسات نفتی آرامکو و پادگان‌های جنوبی عربستان زیر دید مستقیم موشک‌های یمنی قرار گرفته است. بن بست ریاض زمانی عمیق‌تر می‌شود که می‌بیند واشنگتن حاضر نیست برای نجات متجاوزان سعودی خود را وارد یک جنگ خانمان‌سوز کند.

توانمندی بومی و دکترین نظامی انصارالله در مواجهه با جنگ روانی غرب

رسانه‌ها و امپراتوری تبلیغاتی غرب، طبق الگوی تکراری و نخ‌نما شده خود، پس از هر پیروزی بزرگ جریان مقاومت، تلاش می‌کنند تا شایعات و ادعاهایی مبنی بر «عدم استقلال انصارالله» یا «هدایت مستقیم عملیات توسط نیروهای خارجی» را مطرح کنند. خبرگزاری رویترز و دیگر رسانه‌های غربی در گزارش‌های اخیر خود تلاش کرده‌اند تا پیروزی‌های ساحل غربی را صرفاً به پشتیبانی تسلیحاتی و مستشاری جمهوری اسلامی ایران نسبت دهند و نقش اراده، برنامه‌ریزی، شجاعت و توان بومی رزمندگان یمنی را انکار نمایند.

اگرچه پیوند انصارالله با محور مقاومت و بهره‌مندی از تجربیات و حمایت‌های برادرانه جمهوری اسلامی ایران یک موضوع آشکار و افتخارآمیز در راستای همبستگی اسلامی علیه استکبار است اما تحلیلگران منصف نظامی اذعان دارند که انصارالله طی بیش از یک دهه جنگ نابرابر، به یک «دکترین نظامی بومی و منحصربه‌فرد» دست یافته است. یمنی‌ها موفق شده‌اند کارخانجات تولید و ارتقای موشک‌های بالستیک، پهپادهای نقطه‌زن، شناورهای تندروی بدون سرنشین و سامانه‌های راداری را در دل کوهستان‌ها و زیرزمین ایجاد کنند.

توانایی ساخت و عملیاتی کردن موشک‌های ضدکشتی با بردصدها کیلومتر و هدایت دقیق آن‌ها در محیط‌های آلوده به جنگ الکترونیک غربی، محصول استعداد، جهاد و نوآوری شگفت‌انگیز مهندسان و مجاهدان است. اکنون انصارالله توانمندی بومی توسط رسانه‌های غربی، صرفاً پوششی برای پنهان کردن شکست خفت‌بار فناوری‌های چندمیلیارد دلاری غربی در برابر اراده ملت یمن است.

در همین حال، در خصوص آمارهای منتشرشده درباره مساحت‌های آزادشده-که در برخی روایت‌ها از ۴۰۰۰ تا ۵۴۰۰ کیلومتر مربع یاد شده- یا ادعاهای مربوط به سرنگونی پرنده‌های دشمن، نیروهای مسلح یمن همواره اثبات کرده‌اند که بر مبنای صداقت و واقع‌گرایی میدانی سخن می‌گویند. حتی بدون اتکا به آمارهای کلامی، واقعیت تثبیت‌شده و غیرقابل انکارِ حضور نیروهای مقاومت در بندر مخا، ساحل ذباب و صخره‌های استراتژیک جزیره پریم که مورد تأیید دشمن و نهادهای بین‌المللی نیز قرار گرفته، برای اثبات شکست کامل جبهه استکبار کافی است.

هزینه انسانی نبرد و مسئولیت مستقیم متجاوزان بین‌المللی

بررسی این نبرد سرنوشت‌ساز بدون توجه به ابعاد انسانی و رنج‌های ملت بزرگ یمن کامل نخواهد بود. سازمان ملل متحد و نهادهای بشردوستانه گزارش داده‌اند که طی نبردهای اخیر در ساحل غربی و تعز، بیش از ۵۶۰۰ خانواده آواره شده‌اند و آمار تلفات غیرنظامی به دلیل بمباران‌های کورو انتقام جویانه جنگنده‌های ائتلاف متجاوز افزایش یافته است. سازمان جهانی بهداشت نیز تا اوایل سپتامبر تثبت صدها کشته و زخمی را تأیید کرده است.

مسئولیت مستقیم این فجایع انسانی و آوارگی مظلومانه برعهده ائتلاف متجاوز سعودی-اماراتی و حامیان تسلیحاتی آمریکایی و اروپایی آن‌هاست که طی ۱۱ سال گذشته، با تحمیل جنگی ظالمانه و محاصره‌ای خفقان‌آور، یمن را به بزرگ‌ترین بحران بشردوستانه جهان تبدیل کرده‌اند. دشمن متجاوز هرگاه در میدان نبرد یمن با شکست مواجه می‌شود، برای جبران آبروریزی خود، به بمباران مناطق مسکونی، بنادر تجاری و کمپ‌های آوارگان روی می‌آورد.

با این حال، ملت شریف و غیور یمن با تحمل این هزینه‌های سنگین و با پایداری بی‌نظیر خود ثابت کرده‌اند که حاضر نیستند ذلت استکبار و محاصره را بپذیرند. پشتیبانی مردمی بی‌دریغ از مجاهدان انصارالله و حضور میلیونی در راهپیمایی‌های نماز جمعه در صنعا و دیگر استان‌ها، نشان می‌دهد که نیروهای مسلح یمن متکی به یک عمق مردمی فناناپذیر هستند؛ عمقی که تمام محاسبات متجاوزان را با شکست مواجه کرده است.

تثبیت موازنه جدید و شکست نهایی معادلات استکباری

پیشروی‌های شگفت‌انگیز نیروهای مسلح یمن و جنبش انصارالله در سپتامبر ۲۰۲۶ در ساحل غربی، تسلط بر بندر مخا، پیشروی به ذباب و استقرار راهبردی در جزیره پریم، فراتر از یک پیروزی مقطعی، سرآغاز یک عصر جدید در معادلات ژئوپلیتیک غرب آسیاست. انصارالله موفق شده است خود را به عنوان «حاکم مطلق و شکست ناپذیر امنیت و عبور و مرور در دریای سرخ و تنگه باب‌المندب» تثبیت کند.

این تحول بزرگ، پیوند ارگانیک و حیاتی میان جبهه‌های مختلف محور مقاومت را آشکار ساخت. هم‌افزایی بازدارندگی باب‌المندب با جبهه نبرد ایران و آمریکا در خلیج فارس از یک سو، و پشتیبانی مستقیم از نبرد حزب‌الله علیه رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان از سوی دیگر، شبکه دفاعی و تهاجمی یکپارچه‌ای را خلق کرده که استکبار جهانی توان مقابله با آن را ندارد. تحمیل هزینه نظامی، اقتصادی و امنیتی به دشمن از طریق انسداد شریان‌های تجاری رژیم صهیونیستی و تهدید صادرات انرژی، غرب را در وضعیتی قرار داده که هرگونه اقدام تلافی‌جویانه، به کشیده شدن فتنه به سراسر منطقه و نابودی کامل منافع غربی‌ها منجر خواهد شد.

انصارالله یمن اکنون پرسشی سهمگین و بی‌پاسخ را در برابر اتاق‌های فکر واشنگتن، تل‌آویو و ریاض قرار داده است: چگونه می‌توان با نیرویی قدرتمند و ایمان محور جنگید که جبهه زمینی‌اش با سرعت به سوی باب‌المندب پیش می‌رود، جبهه موشکی و پهپادی‌اش تا عمق سرزمین‌های اشغالی و پادگان‌های سعودی امتداد یافته و تسلط آن بر گلوگاه‌های دریایی، اقتصاد و تجارت جهانی را تحت تاثیر قرار داده است؟ پاسخ به این پرسش حیاتی، تنها یک حقیقت را روشن می‌سازد: دوران آقایی و سلطه‌گری آمریکا و صهیونیسم در غرب آسیا به پایان رسیده و موازنه جدید قدرت، توسط مجاهدان جبهه مقاومت اسلامی از خلیج فارس تا باب‌المندب و جنوب لبنان در حال نگارش است.

اصل سند- برگ سبز خودروی وانت دوکابین تویوتا هایلوکس مدل ۲۰۰۳ به شماره انتظامی ۲۲۵۷۱-۷۷ به شماره موتور JTFEM۴۴۶۰۴۰۱۲۹۲۷ و شماره شاسی ۳RZ۳۱۰۹۳۷۸ به نام یوسف بلوچ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل سند - برگ سبز- برگ تردد -کارت هوشمند سوخت خودروی سواری SL ۱۳۱ به رنگ سفید مدل ۱۳۹۰ به شماره انتظامی ۳۹۱ج ۵۷ -ایران ۹۵ به شماره موتور S۴۰۲۰۸۷۷ و شماره شاسی S۴۱۲۲۹۰۹۸۹۳۸۱ به نام سجاد ایرندگانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز - کارت پلاک خودروی سواری پراید ۱۱۱ مدل ۱۳۹۳ به شماره شاسی NAS۴۳۱۱۰۰E۵۸۰۳۶۰۶ و شماره موتور M۱۳/۵۲۴۱۸۳۵ به شماره انتظامی ۷۸۲ط ۷۸ - ایران ۸۵ به نام شهلا شیخ نوری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است

سند کمپانی خودروی کامیون کشنده ایویکوام بی ۴۴۰ ای ۳۷ اچ مدل ۱۳۷۸ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۵۰۰۰۴۲ و شماره شاسی IZCD۴۴P۳۰BE۰۴۲۹۶۶ به شماره انتظامی ۶۷۸ط ۵۷-ایران ۲۹ به نام شهاب جسری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند و فاکتور فروش و سند مالکیت (برگ سبز) خودروی سواری پراید جی تی ایکس ای به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۵ به نام عبیداله اسکانی به شماره انتظامی ۱۹۹ ط۲۹ - ایران ۹۵ به شماره موتور S۱۴۱۲۲۸۵۸۷۱۳۹۳ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۵۸۷۱۳۹۳ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت پلاک - جفت پلاک و پلاکت - برگ گمرکی مشخصات خودروی وانت تویوتا۲۰۰۰ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۹۸۳ به نام حیدر نوزهی به شماره انتظامی ۴۴۸ س ۲۴ - ایران ۹۵ به شماره موتور ۲۱۶۴۷۹۴ و شماره شاسی ۲۰۵۵۸۴ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند و فاکتور فروش - سند مالکیت (برگ سبز) و برگ گمرکی و کارت هوشمند سوخت خودروی وانت تویوتا ۱۶۰۰ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۹۸۳ به نام علی صادقی به شماره انتظامی ۵۵۳ن ۳۴ - ایران ۱۳ به شماره موتور ۲۸۲۱۴۴۰ و شماره شاسی ۱۷۱۷۹۰ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) و کارت پلاک خودروی وانت نیسان ۲۰۰۰ به رنگ آبی روغنی مدل ۱۳۶۹ به نام ناصر خزائیلی به شماره انتظامی ۴۱۹ ی ۲۵ م ۲۵ ایران ۴۳ به شماره موتور ۱۸۹۵۲۳ و شماره شاسی ۰۵۶۳۴۳ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند و فاکتور فروش - سند مالکیت (برگ سبز) - کارت پلاک و کارت هوشمند سوخت موتورسیکلت ایرانا ۱۲۵CDI به رنگ قرمز آلبالویی مدل ۱۳۸۹ که به نام مولا دادحسین بربه شماره انتظامی ۸۱۹-۱۶۳۶۹ به شماره موتور N۲G*۸۰۰۶۸۲ و شماره شاسی N۳G*۱۲۵A۸۹۵۶۶۸۲ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.**

سند کمپانی و برگ سبز سواری پراید مدل ۱۳۸۳ رنگ سفید روغنی به شماره انتظامی ۲۹۳ی ۲۶ ایران ۱۲ و شماره موتور ۰۰۶۷۷۹۴۶ شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۳۲۱۸۷۱۶ به نام محمد دارابی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو و پراید سواری جی تی ایکس آی مدل ۱۳۸۷ به شماره پلاک ایران ۷۲ -۷۸۵ط ۶۹ شماره موتور ۲۳۵۲۱۰۸ شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۷۷۲۵۲۷۲ به نام قربان سالاریان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است

برگ سبز و سند کمپانی موتور وسپا به رنگ سرمه ای شرکت نیکتاز سیکلت کویر به شماره موتور ۱۰۰۱۴۱۳ شماره تنه N۳C۸۱FF۰۰KMD۰۰۹۰۷ مدل ۱۳۹۸ به شماره پلاک ۱۳۸-۵۴۲۸۹ به نام علی اسلانی کتولی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است

برگ سبز (سند مالکیت) و سند فروش کمپانی خودروی سواری پراید جی تی ایکس آی مدل ۱۳۸۶ به رنگ نقره ای متالیک به شماره موتور ۱۹۳۹۰۳۰ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۶۳۲۷۵۲۶ به شماره پلاک ایران ۶۹-۱۵۸ و ۸۱ به نام حمزه آینه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) کامیونت - ون سیستم زامیاد تیپ Z۲۴NIM مدل ۱۴۰۳ رنگ آبی روغنی به شماره موتور M۲۴۱۰۰۴۸۱۳M به شماره شاسی NAZPL۱۴۰TR۰۷۸۵۳۴۵ به شماره پلاک انتظامی ۲۴-۶۳۴ص ۹۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل برگ سبز موتورسیکلت انژکتوری سیستم سحر تیپ ۱۲۵ مدل ۱۴۰۴ به رنگ آبی و شماره پلاک ۸۵۲-۹۶۳۶۹ شماره تنه N۱۴AVSKDAS۱B۱۰۱۸۸ و شماره موتور ۰۱۲۴N۱۴۲۲۴۸۳۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل سند کمپانی و اصل شناسنامه مالکیت (برگ سبز) و اصل کارت شناسایی سواری سیستم پژو تیپ XU۷-PARS مدل ۱۳۹۲ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۱۲۴K۰۲۴۱۸۱۸ به شماره شاسی NAAN۰۱CA۱DH۶۸۸۸۱۰ به شماره پلاک انتظامی ایران ۸۸-۱۷۵ج ۵۶ و به نام مالک اسد حسینی حاجیوند مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل سند کمپانی سواری سیستم پژو تیپ ۲۰۷۱ مدل ۱۳۹۰ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۱۳۳۸۹۰۲۸۳۱۳ و شماره شاسی NAAR۰۳FE۴BJ۹۵۴۶۴۱ به شماره پلاک انتظامی ایران ۷۶-۹۴۵ب ۴۲ و به نام مالک مجتبی غیور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی سواری پژو پارس مدل ۱۳۸۱ به رنگ بشمی متالیک به شماره موتور ۲۲۸۲۸۱۰۹۲۶۰ شماره شاسی ۸۱۸۰۹۵۴۹ به نام عبدالستار قنبرزهی به شماره انتظامی ۸۶۸ص ۴۳ ایران ۸۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

**مجوز کارت حمل سلاح شکاری تکلول نه پرکوسه ساچمه زن کالیبر ۱۲ ساخت روس